

Research Article

Investigating Existential Crises of Unfaithful Men and Examining the Effectiveness of Indigenous Counseling Based on Marital Infidelity Tendency

M. Fatehizade^{1*}, M. Choupani², F. Asanjarani³ & A. de Castro Correa⁴

1. Professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: m.fatehizade@edu.ui.ac.ir

2. PhD Student, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

4. Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities and Social science, University del Norte, Barranquilla, Colombia.

Abstract

Aim: the present study aimed to investigate the existential crises of unfaithful men and examine the effectiveness of indigenous counseling based on marital infidelity tendency. **Method:** the research had a exploratory mixed-method design and included both qualitative and quantitative phases. The interpretive phenomenology method was used in the qualitative phase. Eighteen unfaithful men of Shahindej city, Iran, were selected by purposive sampling and interviewed in the qualitative phase. The data were analyzed by Colaizzi's method. As a result, six categories (i.e., delay contemplation, existential emptiness avoidance, not accepting fate, pathological value change, sexual and desire-based love, and struggling with existential loneliness). Then, the initial model of counseling was designed based on these crises. The model matching method was used to evaluate the theoretical validity of the model. The model was given to 12 experts to confirm its face and content validity, and after approval, it was finalized in the form of 12 sessions. The single case method was used in the quantitative phase. three unfaithful men were purposively selected in the quantitative phase. The model was implemented in three baselines, intervention, and follow-ups. The data were collected by the Attitudes toward Infidelity Scale (ATIS) and analyzed by visual analysis, statistical and clinical significance. **Results:** The results revealed that the model significantly reduced marital infidelity tendency ($p < 0.01$). **Conclusion:** Therapists can use the model reduce the tendency to infidelity in the individuals or couples engaged in marital infidelity.

Key words: Existential Crisis, Marital Infidelity, Mixed_Method, Indigenous Existential Counseling

Citation: Fatehizade, M., Choupani, M., Asanjarani, F., & de Castro Correa, A. (2022). Investigating Existential Crises of Unfaithful Men and Examining the Effectiveness of Indigenous Counseling Based on Marital Infidelity Tendency. *Quarterly of Applied Psychology, 16* (1):203-228.

واکاوی بحران‌های وجودی در مردان بی‌وفا و بررسی اثربخشی مشاوره بومی مبتنی بر آن بر گرایش به خیانت زناشویی

مریم‌السادات فاتحی‌زاده^{۱*}، موسی چوپانی^۲، فرامرز اسنجرانی^۳ و آلبرتو ماریو دی کاسترو کوریا^۴

۱. استاد، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. ایمیل: m.fatehizade@edu.ui.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۴. استاد، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه دل نورت، بارانکیلا، کلمبیا.

چکیده

هدف: هدف پژوهش واکاوی بحران‌های وجودی در مردان بی‌وفا و بررسی اثربخشی مشاوره بومی مبتنی بر آن بر گرایش به خیانت زناشویی بود. **روش:** روش پژوهش، ترکیبی از نوع اکتشافی و شامل دو مرحله کیفی و کمی بود. در مرحله کیفی از روش پدیدارشناسی تفسیری استفاده شد. در این مرحله ۱۸ نفر از مردان خیانت‌کرده شهرستان شاهیندژ با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از روش کلایزی تحلیل گردید. این تحلیل منجر به شناسایی شش مضمون (درنگ‌گریزی، سرنوشت‌ناپذیری، کشمکش با تنهایی وجودی، عشق توخالی و میل‌محور، استحاله مرضی ارزش‌ها و پوچی‌گریزی) شد. سپس مبتنی بر این بحران‌ها، مدل اولیه‌ی مشاوره طراحی شد. جهت ارزیابی روایی نظری الگو، از روش تطبیق الگو بهره گرفته شد. جهت تایید روایی صوری و محتوایی، الگو در اختیار ۱۲ متخصص قرار گرفت و پس از تایید، در قالب ۱۲ جلسه نهایی شد. در مرحله کمی از روش مورد منفرد استفاده شد. در مرحله کمی، سه مشارکت‌کننده به صورت هدفمند از بین مردان خیانت‌کرده انتخاب شدند. الگو در سه مرحله خط پایه، مداخله و پیگیری اجرا شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه گرایش به خیانت (ATIS) استفاده شد و داده‌ها از طریق تحلیل دیداری، معنی‌داری آماری و بالینی مورد تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که الگو نقش معناداری بر کاهش گرایش به خیانت زناشویی دارد ($P < 0/01$). **نتیجه‌گیری:** درمانگران می‌توانند از این الگو، جهت کاهش گرایش به خیانت در فرد یا زوج درگیر در خیانت زناشویی استفاده کنند.

کلید واژه‌ها: بحران وجودی، خیانت زناشویی، روش ترکیبی، مشاوره بومی وجودی

استناد به این مقاله: فاتحی‌زاده، مریم‌السادات، چوپانی، موسی، اسنجرانی، فرامرز، و دی کاسترو کوریا، آلبرتو ماریو. (۱۴۰۱). واکاوی بحران‌های وجودی در مردان بی‌وفا و بررسی اثربخشی مشاوره بومی مبتنی بر آن بر گرایش به خیانت زناشویی. فصلنامه علمی- پژوهشی روان‌شناسی کاربردی، ۱۶ (۱) پیاپی ۲۰۳-۲۲۸. (۶۱)

مقدمه

خیانت زناشویی پیچیدگی نظری زیادی دارد و دستیابی به تعریفی واحد و مشترک از آن که در تمامی فرهنگ‌ها از پذیرش برخوردار باشد تا حدی دور از انتظار است (وربولوسکا-اسکرزک، ۲۰۲۱؛ مالیک، ناواز، میحمود، ریاض، مشتاق و خان، ۲۰۱۴). با این حال به‌طور کلی خیانت را برقراری هرگونه رابطه صمیمانه و توأم با نوازش در بُعد جنسی و عاطفی با نفر سوم تعریف می‌کنند که تعهد رابطه زناشویی را نقض کرده و با رنج‌های عاطفی در فرد قربانی همراه می‌باشد (چوپانی، سهرابی‌فرد، محمدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ آمیر، ۲۰۱۸).

آبزوغ (۲۰۱۶) در پژوهش خویش این واقعیت تلخ را آشکار ساخت که صرف وجود نگرش منفی نسبت به خیانت زناشویی، مانع از گرایش افراد به این شکل ارتباطی نمی‌شود و بیش از ۲۰٪ از مخالفین این قالب ارتباطی، خود درگیر این نوع روابط هستند. ایندور، پری‌پالدی، هیرسچبرگر و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود تصریح کردند که بیش از ۵۰٪ از مردان و زنان خیانت زناشویی را تجربه کرده‌اند. در ایران نیز با اینکه میزان شیوع این آسیب به‌صورتی کمی برآورد نشده است، ولی بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نظیر چوپانی و همکاران (۱۳۹۸)؛ دهقانی و اصلانی (۱۳۹۹) شیوع این آسیب را در بین زوجین ایرانی به‌عنوان یک عامل نگران‌کننده مورد تأکید قرار داده‌اند.

تبیین گرایش به خیانت زناشویی که آشکارشدن آن زمینه را برای فروپاشی پیوند زناشویی فراهم می‌کند، مستلزم تمرکز عمیق بر ساختار ارزشی و دیدگاه زوجین نسبت به ماهیت خویشتن است (خلیل‌زاده و سلیمانی، ۱۳۹۸). بررسی زوجین دارای تجربه خیانت، حاکی از آن است که تحولات عمیقی در دیدگاه این افراد نسبت به زندگی زناشویی و عشق ایجاد شده است و اغلب غرق در بحران‌های وجودی هستند (استیلیمان، گارسیا و تساپلیس، ۲۰۱۹)، بحران‌هایی که گرایش آن‌ها را به روابط فرازناشویی تسهیل می‌کند. تنهایی، اضطراب، عشق و آزادی از جمله نگرانی‌های وجودی هستند که پیشینه‌های نظری و تجربی نظیر ینیسیری و کوکدمیر (۲۰۰۶)؛ کلانترکوشه (۲۰۱۲)؛ لانتز و گیورگی (۲۰۰۰)؛ دائی‌جعفری، آقایی و رشیدی‌راد (۲۰۲۰) تأثیر آن‌ها را بر رابطه زناشویی مورد تأیید قرار داده‌اند.

اساسی‌ترین نگرانی وجودی که هرگونه ایجاد بحران در آن می‌تواند زمینه را برای سوق دادن افراد به سمت خیانت زناشویی فراهم کند، عشق است. امروزه افراد تحت تأثیر فردیت‌گرایی محض، تعریفشان از عشق متفاوت شده و آن را عاملی محدودکننده و مانع تحول قلمداد می‌کنند (طالبی و ویسی، ۱۳۹۱). عشق تا حد زیادی قداست وجودی خود را که با تعهد همراه بوده از دست داده و اغلب افراد، صرفاً آن را نوعی محرک جنسی تلقی می‌کنند (مونیروزمان، ۲۰۱۷). زمانی که فرد

توان تحقق عشق اصیل را در رابطه با همسر خویش نداشته باشد، این ارزش را در تجربه روابط متعدد و فرازناشویی جست و جو می‌کند (پلانیکا، ریورا-آراگون و دیاز-لوپینگ، ۲۰۰۷). غلبه بی‌احساسی بر دنیای درونی افراد، از بین رفتن ارزش عشق مهرورزانه در زندگی کنونی و جست‌وجوی عشق در خارج از رابطه زناشویی، عاملی است که صداقت بین زوجین را کاهش داده و خیانت نسبت به یکدیگر را تسهیل کرده است (جمشیدی‌پورخانی، ۱۳۹۵).

زمانی که آزادی عاری از کرامت انسانی شود و با خودخواهی آمیخته گردد، شکل‌گیری و حفظ روابطی برابر و توأم با تعهد را دشوار ساخته و نهاد خانواده را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد (اسچوماچر، ۲۰۱۵). تعبیر نادرست از آزادی و اشتباه گرفتن آن با بی‌بندوباری جنسی، تجربه خیانت را تسهیل می‌بخشد (می، ۱۳۹۷/۱۹۸۱). یکی از جنبه‌های بی‌بندوباری، زیرپا گذاشتن تعهدات زوجی است (بنیسیری و کوکدمیر، ۲۰۰۶). بسیاری از افراد درگیر در خیانت زناشویی بر این عقیده هستند که داشتن رابطه عاشقانه با فردی غیر از همسر، عینیت آزادی است و افراد حق داشتن چنین رابطه‌ای را دارند (اسچرین، آپیلانیز و وانگیر، ۲۰۱۸).

ادراک معنا در رابطه زناشویی، نگرانی دیگری است که بر عملکرد درون‌فردی و بین‌فردی افراد تأثیر دارد. زمانی که روابط زناشویی فاقد هرگونه معنای وجودی برای طرفین باشد، احتمال بروز نارضایتی‌ها در خلال روابط آن‌ها افزایش پیدا می‌کند (گواهی‌جهان، ۱۳۸۹). افزایش نارضایتی زناشویی، به‌نوبه خود زمینه‌ساز گرایش به خیانت زناشویی شده و تکرار آن را تسهیل می‌بخشد. زوجین زمانی که در رابطه زناشویی خود احساس ارزشمندی کنند، تمایلی به تجربه خیانت نخواهند داشت (خلیل‌زاده و سلیمانی، ۱۳۹۸). زمانی که رابطه زناشویی جذابیت و احساس ارزشمندی کافی برای طرفین داشته باشد، کم‌تر احتمال دارد به سمت خیانت گرایش پیدا کنند. تنهایی به‌عنوان یکی دیگر از نگرانی‌های وجودی بر رابطه زناشویی تأثیر دارد (لارسون، رماگارد، کومیلین و همکاران، ۲۰۲۰) و ناتوانی در پذیرش آن از طریق ایجاد احساس ناامنی، ثبات پیوند زوجی را دچار آشفتگی می‌کند. زندگی زناشویی در صورتی که با آمیختگی توأم باشد، می‌تواند تا حد زیادی تنش ناشی از تنهایی را کاهش دهد (دمیرچی و صلاحیان، ۱۳۹۷). با این حال زمانی که پیوند زناشویی فاقد عشق باشد، فرد در خلال آن احساس امنیت نخواهد کرد و تلاش می‌کند که عشق را در پیوندهای دیگری تجربه کند (بختیارارکسی، علیزاده‌زکریا و حسینی، ۱۳۹۵). ازدواج صمیمی‌ترین رابطه انسانی است که از طریق یکی کردن دوفرد با یکدیگر، احساس تنهایی را کاهش می‌دهد. بدیهی است که ناتوانی این رابطه در تسکین تنهایی، تعهد به آن را دچار تزلزل کند (دادو و دبیری، ۱۳۹۸).

مطالب پیشین شیوع نگران‌کننده خیانت را در بین زوجین آشکار ساخت و تا حدی نقش بحران‌های وجودی را در تسهیل گرایش افراد به این نوع روابط نشان داد. بنابراین تمرکز بر رویکردهایی که قادر به بهبود بحران‌های وجودی باشند، می‌تواند در کاهش گرایش به خیانت نقش موثری ایفا کند. یکی از رویکردهایی که می‌تواند با بهبود بحران‌های وجودی، میزان گرایش به خیانت زناشویی را در زوجین کاهش دهد، رویکرد وجودی است. رویکرد وجودی در قالب فردی و جهت درمان بسیاری از اختلالات روانشناختی و نگرانی‌های وجودی مورد استفاده قرار گرفته و کارآیی آن تأیید شده است (یالوم، ۱۳۹۷/۱۹۸۰). این رویکرد بر بهبود مشکلات و اختلال‌هایی نظیر سلامت وجودی، تحمل درد، افسردگی و اضطراب، افکار و گرایش به خودکشی، کیفیت زندگی، معنای زندگی، سلامت جسمانی و خودکارآمدی، سلامت روانی، نگرش به زندگی و خودشکوفایی، استرس پس از آسیب، تأثیر داشته است (آسایش، ۱۳۹۶؛ سردی، ۱۳۹۷).

علاوه بر اثرگذاری کارآمد این رویکرد درمانی در بهبود مشکلات فردی، رویکرد وجودی بر بهبود مشکلات زندگی زوجی نیز اثرگذار است. بررسی پیشینه‌ها و تحقیق‌های انجام‌شده در این زمینه بیانگر این واقعیت است که این رویکرد بر بهبود مشکلات زناشویی نظیر کیفیت زندگی زوجین سرطانی (لانترز و گیورگی، ۲۰۰۰)؛ نارضایتی زناشویی (کلانترکوشه، حسن، کدیر و تالیب، ۲۰۱۲)، کیفیت رابطه زناشویی (کلانترکوشه، ۲۰۱۲)، معنای زندگی و عشق‌ورزی زناشویی (دائی‌جعفری، آقایی و رشیدی‌راد، ۲۰۲۰) نقش معناداری دارد.

اگرچه مبانی نظری و تجربی پیرامون درمان وجودی، توان کارکردی این درمان را در تبیین و تا حدی رفع مشکلات زناشویی به‌ویژه خیانت زناشویی آشکار می‌سازد، ولی ضرورت دارد پژوهشگران با در نظر گرفتن ساختارهای فرهنگی و تجربیات ادراکی زوجین ایرانی، تدوین مدل مشاوره بومی را برای مقابله با بحران خیانت ممکن سازند و با اجرایی کردن آن میزان گرایش افراد را به این آسیب چندبُعدی کاهش دهند. طراحی مدل مشاوره وجودی بومی خیانت زناشویی، از چند جهت حائز اهمیت است. با استناد به تحقیقات پیشین، خیانت زناشویی به‌عنوان یک بحران چندبُعدی، شیوع نگران‌کننده‌ای در سطح جامعه داشته و با پیامدهای مخرب روانشناختی، بین فردی و محیطی در زوجین، خانواده‌های آن‌ها و حتی اجتماع همراه بوده است، که این امر ضرورت انجام پژوهشی جامع در این زمینه را آشکار می‌سازد. با این حال متاثر از موانعی نظیر تابوهای فرهنگی، پنهان بودن این آسیب، عدم تمایل و جسارت افراد برای مشارکت در پژوهش و دشواری در شناسایی این گروه، تحقیقات علمی چندانی در این زمینه در جامعه ایران و تا حدی جوامع دیگر انجام نشده است و ماهیت آن تا حد زیادی پنهان و مبهم مانده است. بنابراین ضرورت دارد که با تمرکز چندجانبه بر افراد درگیر در خیانت زناشویی، زمینه را برای فهم

عمیق‌تر این آسیب که قطعاً نتیجه حاصل از آن جهت طراحی برنامه‌های کارکردی و درمانی در این زمینه مفید خواهد بود فراهم شود.

از سوی دیگر فرهنگ یکی از عوامل تأثیرگذار در تعریف مفاهیم درون‌فردی و بین‌فردی است و هر جامعه‌ای بنا بر ساختار فرهنگی خود، دیدگاه و نگرش خاصی نسبت به کارکردهای مختلف نظیر خیانت زناشویی دارد و به‌گونه‌ای خاص آن را تعریف می‌کند. این تفاوت ماهیتی سبب می‌شود که ماهیت این نوع از روابط و بحران‌های وجودی تأثیرگذار در گرایش افراد به آن از دیدگاه افراد دارای فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد. به‌همین خاطر ضرورت دارد که هر جامعه‌ای با تمرکز بر دنیای درونی و منحصر به فرد افراد خود، خیانت زناشویی را مورد تجزیه، تحلیل و تفسیر قرار بدهد و با تکیه بر نتایج استخراجی، مدل‌های مشاوره و درمانی مختص فرهنگ را طراحی کند، مدل‌هایی که به دلیل در نظر گرفتن متغیر فرهنگ، قطعاً کارآیی درمانی بیش‌تری نسبت به سایر مدل‌های غیر فرهنگی خواهد داشت. لذا هدف پژوهش حاضر، طراحی الگوی مشاوره وجودی بومی و ارزیابی تأثیر آن بر گرایش مردان به خیانت زناشویی بود.

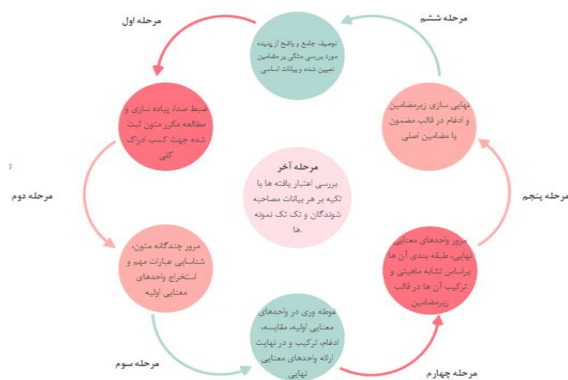
روش

روش پژوهش حاضر ترکیبی از نوع اکتشافی متوالی است که یکی از الزامات آن طراحی برنامه مداخله است (کرسول، ۱۳۹۵/۱۹۹۹). پژوهش در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول از روش کیفی (طرح پدیدارشناسی تفسیری) استفاده شد. در این مرحله پژوهشگر به شناسایی بحران‌های وجودی در مردان خیانت‌کرده پرداخت تا براساس مولفه‌های استخراجی، برنامه مداخله‌ای را برای کاهش بحران‌های وجودی شناسایی شده و متعاقباً کاهش گرایش به خیانت طراحی کند. نمونه بخش کیفی از بین مردان خیانت کرده شهرستان شاهیندژ با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند شناسایی و برای مشارکت در پژوهش انتخاب شدند و سپس با استفاده از مصاحبه نیمه-ساختاریافته مورد مصاحبه قرار گرفتند. ملاک‌های انتخاب این افراد عبارت بودند از: مردان متأهلی که خیانتشان آشکار نشده باشد، تمایل به مشارکت در مصاحبه، سلامت روان و عدم مصرف داروهای روانپزشکی، عدم اعتیاد به مواد مخدر یا الکل، حداقل تحصیلات متوسطه و عدم مشارکت همزمان در یک برنامه آموزشی یا درمانی. ملاک‌های خروج نیز عبارت بودند از: پنهان‌کاری و عدم همراهی با مصاحبه‌گر، عدم مشارکت در جلسات بعدی مصاحبه در صورت ضرورت. حجم نمونه در این مرحله مبتنی بر اصل اشباع تعیین شد و اشباع اطلاعاتی در هجدهمین مصاحبه اتفاق افتاد. ویژگی جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان مرحله کیفی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱. ویژگی جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان مرحله کیفی پژوهش

ردیف	سن	شغل	تحصیلات	طول ازدواج (سال)	طول خیانت (سال)
۱	۳۱	آزاد	دیپلم	۶	۳
۲	۲۹	آزاد	کارشناسی	۴	۱
۳	۳۶	آزاد	دیپلم	۹	۳
۴	۳۴	کارمند	ارشد	۷	۱
۵	۳۳	آزاد	دیپلم	۵	۲
۶	۳۷	کارمند	کارشناسی	۶	۲
۷	۴۱	آزاد	کارشناسی	۸	۳
۸	۳۸	آزاد	دیپلم	۷	۲
۹	۳۲	آزاد	کارشناسی	۷	۱
۱۰	۳۳	کارمند	ارشد	۸	۲
۱۱	۳۱	آزاد	دیپلم	۶	۱
۱۲	۴۰	کارمند	ارشد	۱۲	۲
۱۳	۲۸	آزاد	کارشناسی	۴	۲
۱۴	۳۳	کارمند	دکتری	۶	۳
۱۵	۳۵	آزاد	کارشناسی	۷	۱
۱۶	۳۶	کارمند	کارشناسی	۷	۱
۱۷	۳۹	آزاد	ارشد	۸	۲
۱۸	۳۷	آزاد	دکتری	۶	۱

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در مرحله کیفی از تحلیل تفسیری گلایزی (۱۹۷۸) استفاده شد که مراحل آن به صورت جامع در شکل زیر گنجانده شده است.



شکل ۱. مراحل تحلیل گلایزی

پس از استخراج مضامین در مرحله کیفی، این مضامین مبنای طراحی الگوی مشاوره وجودی بومی قرار گرفتند، بدین معنی که هر مرحله از الگو، بر بهبود یکی از این بحران‌ها متمرکز شد. به منظور اعتباریابی الگوی مشاوره وجودی بومی به روش پیمایشی، ضریب CVR و CVI درباره سرفصل‌های الگو محاسبه شد. به همین جهت پس از طراحی الگو، این الگو در اختیار ۱۲ تن از متخصصین حوزه مشاوره و روان‌شناسی قرار گرفت. ضریب در تمامی سرفصل‌ها از ۰/۶۵. بیش‌تر بود. تعداد افرادی که گزینه‌های کاملاً ضروری و ضروری را گزینش کردند، در این پژوهش، Ne در نظر گرفته شده است (هیرکاس و همکاران، ۲۰۰۳).

$$CVR = \frac{n_e - N/2}{N/2}$$

به علاوه برای بررسی روایی نظری الگو، از روش تطبیق الگو استفاده شد. در روش تطبیق الگو، پیش‌بینی‌هایی مبتنی بر الگو، طراحی شده و میزان صحت آن آزمایش می‌شود. اگر تمامی پیش‌بینی‌ها، همانگونه که پیش‌بینی شده بودند اتفاق بی‌افتد برای اثبات تبیین‌ها در مرحله کیفی، شواهدی مستند به دست خواهد آمد (جانسون و کریستنسن، ۲۰۱۴/۱۳۹۵). برای این غایت از روش مورد منفرد استفاده شد؛ لذا پیش‌بینی می‌شود که این الگو در کاهش گرایش به خیانت مردان خیانت کرده نقش معناداری داشته باشد.

روش پژوهش در مرحله کمی پژوهش، مورد منفرد (طرح A-B) بود. دلیل استفاده از این روش کم‌بودن تعداد اعضای نمونه، دشواری در شناسایی افراد دارای تمایل به مشارکت در فرایند درمانی، عمیق بودن درمان وجودی و ضرورت تمرکز عمیق بر افراد محدود و عدم تمایل این افراد به شرکت در درمان‌های گروهی بود. این روش ساده‌تر از روش‌های مداخله‌ای گروهی نیست و در این روش نیز به‌مانند روش‌های آزمایشی پژوهشگر به پایایی بیرونی و درونی فرایند اجرا و یافته‌ها توجه دارد (گال، بورگ و گال، ۱۹۹۵/۱۳۹۳).

جامعه آماری پژوهش در این مرحله، تمامی مردان خیانت‌کرده شهرستان شاهیندژ در سال ۱۴۰۰ بود که از میان آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند سه نفر برای مشارکت در درمان انتخاب شدند. معیارهای ورود به نمونه در این مرحله عبارت بودند از: آشکار نبودن خیانت برای همسر، تمایل به مشارکت در درمان، سلامت روان و عدم مصرف داروهای روانپزشکی، عدم اعتیاد به مواد مخدر، حداقل تحصیلات متوسطه و عدم مشارکت همزمان در برنامه درمانی دیگر. معیارهای خروج از نمونه نیز عبارت بودند از: غیبت بیش از یک جلسه، عدم انجام تکالیف و عدم پاسخ‌دهی جامع به پرسشنامه‌ها.

جدول ۲. ویژگی جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان مرحله کمی

ردیف	تحصیلات	سن	شغل	تعداد فرزند	طول ازدواج	طول خیانت
۱	دکتری	۳۳	کارمند	۱	۶	۳
۲	ارشد	۴۰	کارمند	۲	۱۲	۲
۳	دیپلم	۳۱	آزاد	۲	۶	۳

طی فرایند اجرای پژوهش ابتدا در مرحله خط پایه، پرسشنامه پژوهش بین آن‌ها توزیع و نمرات هریک از آن‌ها به صورت جداگانه ثبت شد. خط پایه طی سه مرحله و به فاصله زمانی سه روز اجرا شد. مداخله درمانی طی ۱۲ جلسه و به توالی هر هفته دو جلسه اجرا شد. مدت زمان هر جلسه بین ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه در نوسان بود. ارزیابی میزان تغییر طی مرحله مداخله شش بار و هر دو جلسه یکبار انجام شد. پیگیری ثبات میزان تغییرات نیز یکماه پس از اتمام اجرا، طی سه نوبت و هر سه روز یکبار انجام شد. پس از پایان اجرای درمان، داده‌ها با استفاده از تحلیل دیداری، شاخص تغییر پایا و فرمول درصد بهبودی تجزیه و تحلیل شد.

ابزار پژوهش

مقیاس گرایش به خیانت زناشویی^۱ (ATIS): این پرسشنامه توسط وایتلی (۲۰۰۶) در قالب ۱۲ گویه و با هدف بررسی نگرش افراد نسبت به خیانت زناشویی طراحی شده است و در ایران نیز توسط علی‌تبار، حبیبی و پورآوری (۱۳۹۳) اعتباریابی شد. پاسخ‌های پرسشنامه مبتنی بر مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرت از به شدت مخالف تا به شدت موافق تنظیم و از یک تا هفت نمره‌گذاری می‌شود و دامنه نمرات نیز بین ۱۲ تا ۸۴ در نوسان است (ذال، عرب و ثناگومحرز، ۱۳۹۹). وایتلی (۲۰۰۶)، به‌نقل از بختیارارکسی و همکاران، (۱۳۹۵) پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ /۸۰، گزارش کرد و روایی محتوایی و صوری آن را نیز تأیید کرد. علی‌تبار و همکاران (۱۳۹۳) نیز پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ /۷۱، گزارش کردند.

1. Attitudes Toward Infidelity Scale

یافته‌ها

الف) بخش کیفی پژوهش: تدوین الگوی مشاوره وجودی بومی

در مرحله تدوین محتوایی الگوی مشاوره وجودی بومی، پس از تجزیه و تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان و ادغام واحدهای معنایی اکتشافی، نهایتاً شش مضمون اصلی درنگ‌گریزی، سرنوشت‌ناپذیری و محدودیت‌گریزی، جدال و کشمکش با تنهایی وجودی، عشق توخالی و میل‌محور، استحاله ارزشی یا استحاله مرضی ارزش‌ها و پوچی‌گریزی شناسایی شد. این مضامین یا بحران‌های وجودی، مبنای طراحی الگوی مشاوره وجودی بومی قرار گرفتند، بدین معنی که هر مرحله از الگوی مشاوره، بر بهبود یکی از این بحران‌ها متمرکز شد.

جدول ۳. مضامین و مقوله‌های مورد استفاده در الگوی مشاوره وجودی بومی

مضامین	زیرمضامین
درنگ‌گریزی	فراغت‌گریزی، غرق شدن در روزمرگی، هراس از سکوت، هراس از وقفه.
سرنوشت‌ناپذیری و محدودیت‌گریزی	حصار انگاشتن وفاداری، جبر تلقی کردن حدود زناشویی، تعهدهراسی، مسئولیت‌گریزی.
جدال و کشمکش با تنهایی وجودی	احساس گمگشتگی و سرگردانی، احساس رهاشدگی، خودفریبی و دیگرفریبی مکارانه، جست‌وجوی وسواسی عشق معجزه‌گر.
عشق توخالی و میل‌محور	بی‌احساسی، دروغ‌گویی و بازیگری عاطفی، هرزگی یا بی بند و باری جنسی، تعاملات ماشینی و جهان‌بینی شیء‌محور.
استحاله ارزشی	حصار‌انگاری سنن، فردیت‌محوری محض، گریز از معمولی‌بودن.
پوچی‌گریزی	عشق‌جویی غیرارزشی و مرضی، غرقگی در معانی میل‌محور، غوطه‌وری در روزمرگی.

الف) درنگ‌گریزی

مشارکت‌کننده شماره ۲ در این زمینه بیان کرد:

"نه من اصلاً بهش فکر نمی‌کنم. اصلاً چرا باید بهش فکر کنم؟"

ب) سرنوشت‌ناپذیری و محدودیت‌گریزی

مشارکت‌کننده شماره ۱۲ در این زمینه بیان کرد:

"من الان هم با زخم هستم و هم هرکس دیگری که بهم جواب بده رو رد نمی‌کنم. نظرم اینه که نباید به جبر زندگی زناشویی روی خوش نشون داد."

پ) جدال و کشمکش با تنهایی وجودی

مشارکت‌کننده شماره ۱۰ در این زمینه بیان کرد:

"خیلی وقت‌ها این حس رهاشدگی رو دارم. خیلی دوست زیاد دارم ولی کم نمی‌شه. می‌گم با این ارتباط بگیرم احساس تنهایی نمی‌کنم ولی نمی‌شه بازم سمت یکی دیگه می‌رم و...".

ت) عشق توخالی و میل‌محور

مشارکت‌کننده شماره ۸ در این زمینه بیان کرد:

"دنیاییه برای خودش. به نظرم می‌شه اسم عشق روش گذاشت".

ث) استحاله ارزشی یا استحاله مرضی ارزش‌ها

مشارکت‌کننده شماره ۶ در این زمینه بیان کرد:

"به نظرم ارزش یعنی اینکه بزاری طرفت آزاد باشه. نه اینکه انتظار داشته باشی متعهدش کنی".

ج) پوچی‌گریزی

مشارکت‌کننده شماره ۱۱ در این زمینه بیان کرد:

"من با این کار حداقل کمی احساس می‌کنم که هستم، می‌تونم و وجود دارم".

ابعاد الگوی مشاوره وجودی بومی

پنج بُعد الگوی مشاوره وجودی بومی عبارت است از اهداف، محتوای درمانی، رابطه درمانی، فرایندهای تغییر و تاکتیک‌های درمانی. اهداف و محتوای موردنظر در هر مرحله از الگو متفاوت است. با این حال رابطه درمانی، فرایندهای تغییر و همچنین تاکتیک‌های درمانی در تمامی مراحل مشترک بوده و متناسب با مفهوم آموزشی و همچنین شرایط جلسه درمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. خلاصه الگو در جدول (۵) به صورت جامع آمده است.

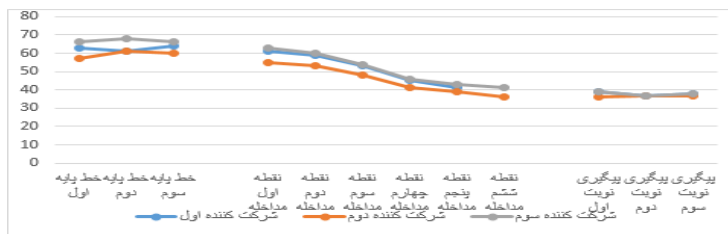
جدول ۴. خلاصه پروتکل الگوی مشاوره وجودی بومی

جلسه	هدف	محتوا
اول	آگاهی و تقویت درنگ‌پذیری.	واکاوی دیدگاه فرد نسبت به درنگ، بررسی چرایی و چگونگی گریز از درنگ، مواجهه‌ساختن فرد با ترس ادراکی در مواجهه با درنگ، پرورش شجاعت ذاتی فرد و تحریک اراده وی جهت ایستادگی جسورانه.
دوم	آگاهی و تقویت درنگ‌پذیری.	ایجاد فرصت درنگ طی جلسات درمانی، افزایش اوقات فراغت در طی روز، هفته یا ماه، واکاوی غرق‌شدن در روزمرگی و تبعات آن، روزمرگی و خلاقیت، روزمرگی و آزادی، روزمرگی و شکوفایی.
سوم	آگاهی از سرنوشت و پذیرش آن.	سرنوشت و آزادی، سرنوشت و مسئولیت، زندگی زناشویی و سرنوشت!، سرنوشت زناشویی و آزادی، سرنوشت زناشویی و مسئولیت.

چهارم	آگاهی از سرنوشت و پذیرش آن.	واکاوی نحوه مواجهه با سرنوشت زناشویی، مواجهه‌سازی فرد با عصبان و شوریدن در مقابل سرنوشت زناشویی و گفت‌وگوی عمیق پیرامون آن، بینش‌دهی در مورد سایر روش‌های مواجهه با سرنوشت زناشویی.
پنجم	تجربه اصیل و پذیرش‌محور تنهایی.	همراهی با تجربه گمگشتگی، همراهی خودافشاگرانه با تجربه رهاشدگی، آگاه‌سازی از تنهایی وجودی به‌عنوان اصل مشترک انسانی، آزادی و مرگ محرک‌های آگاهانیدن فرد از واقعیت تنهایی وجودی.
ششم	تجربه اصیل و پذیرش‌محور تنهایی.	برای پذیرش و سازگاری با این تنهایی باید چه کرد؟، گفت‌وگو در مورد نقش ارتباط فزاناشویی در کاهش احساس تنهایی؟، زیستن برای دریافت تأیید دیگران، رابطه جنسی و تنهایی، مواجهه فرد با بن‌بست خودفریبی، مواجهه فرد با باتلاق دیگرفریبی.
هفتم	تجربه اصیل و پذیرش‌محور تنهایی.	پرورش شجاعت و اراده فرد برای رها کردن خویش از باتلاق دیگرفریبی و خودفریبی، آگاهانیدن فرد از این واقعیت که رابطه اگر ویژگی‌هایی خاصی را دارا است می‌تواند در کنار آمدن با تنهایی وجودی نقش مؤثری ایفا کند.
هشتم	پرورش عشق اصیل.	آشکارساختن ویژگی‌های رابطه مؤثر در کاهش احساس تنهایی (قدرت، آمیختگی، عظمت و عشق توأم با احترام).
نهم	پرورش عشق اصیل.	رابطه جنسی ماشینی و رابطه جنسی عاشقانه، روشن‌سازی ارزش انسان، قداست-بخشی به رابطه جنسی عاشقانه.
دهم	معناجویی ارزشی.	بررسی دیدگاه فرد نسبت به ارزش‌ها، روشن‌سازی دیدگاه فرد نسبت به ارزش‌های زندگی زناشویی، فردیت‌محوری و زندگی فارغ از ارزش؟
یازدهم	معناجویی ارزشی.	تصور زندگی و جهان آغشته به فردیت محوری محض، هراس و ارزش‌ها، شجاعت و ارزش‌ها.
دوازدهم	معناجویی ارزشی.	آگاه‌سازی فرد از متناهی‌بودن زندگی و غیرقابل بازگشت‌بودن فرصت‌ها، روشن‌سازی ارزش‌های فرد و غوطه‌ور کردن او در آن‌ها، تأکید بر شجاعت به‌عنوان یک ارزش، معرفی عشق به‌عنوان یک ارزش، پرورش شجاعت عشق‌ورزی.
اصول و تاکتیک‌های رابطه درمانی		گفت‌وگوی به تفکر وادارنده، همدلی عمیق، پذیرش روابط مهرورزانه، بودن با مراجع و برای او، توجه به رفتارهای غیرکلامی، قاعده اپوخه، قاعده توصیف، خودافشایی، همراهی به جای اقدام، چالش توأم با صراحت، تفسیر مشارکتی، امتناع از قضاوت.
فرایندهای تغییر		بینش‌دهی نسبت به ابعاد وجودی، تجربه ماهیت‌های وجودی، ارزش‌گرایی، اراده کارکردی (تصمیم و انتخاب)، دلگرمی به‌جای تقویت و تشویق، درنگ و تعمق، شجاعت‌محوری و خلاقیت‌گرایی، رابطه من و تویی.
تکتیک‌های درمانی منوط به هدف و شرایط درمان		خودافشایی، همراهی به جای اقدام، چالش توأم با صراحت، تفسیر با همراهی و جهت‌دهی خود-مراجع، مواجهه سازنده و مستقیم، الگوقرار دادن خویشستن، قیاس خوب-بد، روشن‌سازی پیامد انتخاب‌ها، اندیشه‌زدایی، قصد متناقض، فراخوانی، بازتاب‌زدائی.

ب) بخش کمی پژوهش: اثربخشی الگوی مشاوره وجودی بومی بر گرایش به خیانت در مردان خیانت کرده.

در نمودار (۱) تحلیل دیداری متغیر خیانت زناشویی برای ۳ شرکت کننده در مراحل خط پایه، مداخله و پیگیری ارائه شده است.



نمودار ۱. اثربخشی مدل مشاوره وجودی بومی بر بهبود گرایش به خیانت زناشویی

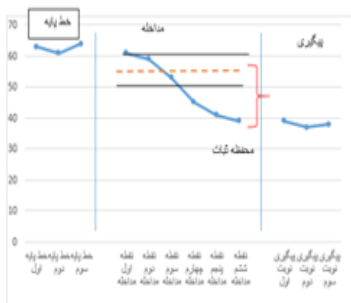
نمودار (۱) بیانگر آن است که تمامی شرکت کنندگان در مرحله مداخله نسبت به مرحله خط پایه، کاهش خیانت زناشویی را نشان می دهند که این تأثیر مثبت در مرحله پیگیری نیز حفظ شده است. در جدول (۵) روند تغییر نمره شرکت کنندگان در متغیر گرایش به خیانت زناشویی از مرحله خط پایه تا مرحله پیگیری ارائه شده است.

جدول ۵. روند تغییر نمرات گرایش به خیانت زناشویی در ۳ شرکت کننده

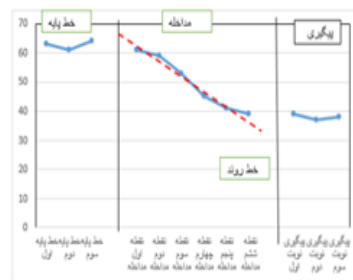
شرکت کننده سوم	شرکت کننده دوم	شرکت کننده اول	شرکت کنندگان ارزیابی	
۶۶	۵۷	۶۳	اول	
۶۸	۶۱	۶۱	دوم	نقطه A
۶۶	۶۰	۶۴	سوم	
۶۶/۶۶	۵۹/۳۳	۶۲/۶۶	میانگین	
۶۳	۵۵	۶۱	نقطه اول	
۶۰	۵۳	۵۸	نقطه دوم	
۵۴	۴۸	۵۳	نقطه سوم	نقطه B
۴۶	۴۱	۴۹	نقطه چهارم	
۴۳	۳۹	۴۳	نقطه پنجم	

۴۱	۳۶	۳۹	نقطه ششم	
۵۱/۵	۴۵/۳۳	۵۰/۵	میانگین	
۵/۲۲	۵/۲۱	۵/۷۴	شاخص تغییر پایا	
.۳۷	.۴۰	.۳۹	درصد بهبودی	شاخص‌ها
	.۳۸/۶۶		درصد بهبودی کلی	
۳۹	۳۶	۳۹	نوبت اول	
۳۷	۳۷	۳۷	نوبت دوم	پیگیری
۳۸	۳۷	۳۸	نوبت سوم	
۳۸	۳۶/۶۶	۳۷/۶۶	میانگین	

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، شاخص تغییر پایا برای مرحلهٔ مداخله در شرکت‌کنندهٔ اول، دوم و سوم به ترتیب برابر با ۵/۷۴، ۵/۲۱ و ۵/۲۲ بدست آمده است. با توجه به اینکه شاخص‌های به دست آمده بزرگتر از ۱/۹۶ است می‌توان ادعا کرد نتایج به لحاظ آماری معناداری است. همچنین درصد بهبودی برای شرکت‌کنندگان به ترتیب برابر با ۳۹٪، ۴۰٪ و ۳۷٪ و درصد بهبودی کلی برای ۳ شرکت‌کننده ۳۸/۶۶ است که نشان از معناداری داده‌ها از لحاظ آماری است.



نمودار ۲. نمودار درون موقعیتی نمرات گرایش به خیانت در شرکت‌کننده اول



نمودار ۳. ترسیم خط روند تغییر نمرات گرایش به خیانت در شرکت‌کننده اول

جدول ۶. تحلیل دیداری درون موقعیتی و برون موقعیتی متغیر گرایش به خیانت زناشویی در شرکت کننده اول

برون موقعیتی		درون موقعیتی		
$\frac{B}{A}$	۱- مقایسه موقعیت	B	A	۱- توالی موقعیت
	تغییر جهت اثر وابسته به هدف	۶	۳	۲- طول موقعیت
با ثبات بی ثبات	تغییرات ثبات	۴۹	۶۱	میانہ
$\frac{۴۱}{۵۹}$	تغییر نسبی			۳- سطح موقعیت
$\frac{۶۱}{۶۴}$	تغییر مطلق	۵۰/۵	۶۳/۳۳	میانگین
$\frac{۶۱}{۴۹}$	تغییر میانہ			
$\frac{۵۰/۵}{۶۳/۳۳}$	تغییر میانگین	۳۹-۶۱	۶۳-۶۴	دامنه تغییرات
.۱۸۳/۳۳	PND	بی ثبات	با ثبات	۴- دامنه تغییرات محفظه ثبات ۲۰٪ از میانہ هر موقعیت
٪ ۱۶/۶۶	POD	داده‌ها		
		۴۱	۵۹	۵- تغییر نسبی سطح موقعیت
		۳۹	۶۳	تغییر مطلق
		نزولی	بدون جهت	۶- روند موقعیت

جدول ۶ تحلیل دیداری درون موقعیتی و برون موقعیتی شرکت کننده اول را در متغیر گرایش به خیانت زناشویی نشان می‌دهد.



نمودار ۴. نمودار درون موقعیتی نمرات گرایش به خیانت در شرکت کننده دوم

نمودار ۵. ترسیم خط روند تغییر نمرات گرایش به خیانت در شرکت کننده دوم

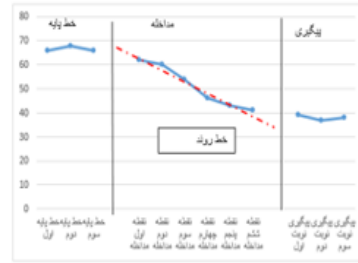
جدول ۷. تحلیل دیداری درون موقعیتی و برون موقعیتی متغیر گرایش به خیانت زناشویی در شرکت کننده دوم

برون موقعیتی		درون موقعیتی	
$\frac{B}{A}$	۱- مقایسه موقعیت	B	A
$\frac{6}{39}$	تغییر جهت اثر وابسته به هدف	۶	۳۹
$\frac{55}{60}$	تغییرات مثبت با ثبات بی ثبات	۵۳	۵۹
$\frac{39}{59}$	تغییرات مثبت با ثبات بی ثبات	۳۹	۵۹
$\frac{55}{60}$	تغییر نسبی	۴۵/۳۳	۵۹/۳۳
$\frac{39}{53}$	تغییر مطلق	۳۶	۵۳
$\frac{45/33}{59/33}$	تغییر میانگین	۳۶-۵۵	۶۰-۵۷
۱۰۰	PND	بی ثبات	با ثبات
۰	POD	بی ثبات	با ثبات
		۳۹-۵۳	۶۰/۵-۵۹
		۳۶-۵۵	۶۰-۵۷
		بدون جهت	بدون جهت

جدول ۷. تحلیل دیداری درون موقعیتی و برون موقعیتی شرکت کننده دوم را در متغیر گرایش به خیانت زناشویی نشان می‌دهد.



نمودار ۶. نمودار درون موقعیتی نمرات گرایش به خیانت در شرکت کننده سوم



نمودار ۷. ترسیم خط روند تغییر نمرات گرایش به خیانت در شرکت کننده سوم

جدول ۸. تحلیل دیداری درون موقعیتی و برون موقعیتی متغیر گرایش به خیانت زناشویی در شرکت کننده سوم

برون موقعیتی		درون موقعیتی		
$\frac{B}{A}$	۱- مقایسه موقعیت	B	A	۱- توالی موقعیت
$\frac{60}{67}$	تغییر جهت	۶	۳	۲- طول موقعیت
مثبت	اثر وابسته به هدف	۵۰	۶۸	میانه
با ثبات	تغییرات مثبت			
با ثبات	تغییرات ثبات			
$\frac{60}{67}$	تغییر نسبی			۳- سطح موقعیت
$\frac{62}{66}$	تغییر مطلق	۵۱	۶۶/۶۶	میانگین
$\frac{50}{68}$	تغییر میانه			
$\frac{51}{66/66}$	تغییر میانگین	۴۱-۶۲	۶۶-۶۶	دامنه تغییرات
۱/۱۰۰	PND	۴-همپوشی داده‌ها	با ثبات	۴- دامنه تغییرات محفظه ثبات ۲۰٪ از میانه هر موقعیت
۰	POD		با ثبات	

تغییر نسبی	۶۷-۶۷	۴۳-۶۰
تغییر مطلق	۶۶-۶۶	-۵۵۶۲
تغییر نسبی	۶۶-۶۶	۴۱
تغییر مطلق	بدون جهت	نزولی
تغییر نسبی	بدون جهت	نزولی

جدول ۸ تحلیل دیداری درون موقعیتی و برون موقعیتی شرکت‌کننده سوم را در متغیر گرایش به خیانت زناشویی نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر واکاوی بحران‌های وجودی در مردان خیانت‌کرده و بررسی اثربخشی مشاوره بومی مبتنی بر آن بر گرایش به خیانت زناشویی بود. مضمینی که طی تحلیل کیفی استخراج شدند عبارت بودند از درنگ‌گریزی، سرنوشت‌ناپذیری و محدودیت‌گریزی، جدال و کشمکش با تنهایی وجودی، عشق فریبکارانه و میل‌محور، استحالۀ ارزشی یا جهش مرضی ارزش‌ها و پوچی‌گریزی. این مضامین مبنای طراحی الگو قرار گرفتند و الگوی طراحی‌شده با هدف کاهش این بحران‌های وجودی رایج در مردان خیانت‌طراحی‌شد؛ بحران‌هایی که در سوق-دادن این افراد به سمت خیانت زناشویی نقش موثری دارند. روایی صوری _ محتوایی الگو توسط ۱۲ نفر از متخصصین رشته مشاوره و روان‌شناسی تأیید شد و همچنین روایی نظری الگو با تکیه بر روش تطبیق و همچنین جای‌یابی مضامین مدل در سه رویکرد وجودی (وجودی _ انسان‌گرای رولو می، وجودی یالوم و معناگرای فرانکل) ارزیابی و تأیید شد. این الگو دارای محتوای جامع، فرایندهای تغییر مشخص، فرایندهای ارتباطی روشن و همچنین تاکتیک‌های مداخله‌ای جامع است و هدف غایی آن کاهش از خودبیگانگی وجودی مردان خیانت‌کرده از طریق کاهش بحران‌های وجودی رایج در آنها است که متعاقباً می‌تواند در کاهش گرایش به خیانت این گروه نیز موثر باشد.

در مرحله کمی پژوهش، پیرامون تأثیر مدل مشاوره وجودی بومی بر کاهش گرایش به خیانت زناشویی، نتایج بدست آمده حاکی از آن بود که نقش این مدل بر بهبود خیانت زناشویی به لحاظ بالینی معنادار است و به‌صورت معناداری میزان گرایش به خیانت زناشویی را در هر سه شرکت‌کننده فرایند درمان کاهش داده است. درمان وجودی در بهبود سلامت وجودی افراد از طریق زنده‌کردن عشق در آنها و هدایتشان در مسیر برقراری و تداوم روابط متعهدانه و سرشار

از نوازش، نقش بسیار تأثیرگذاری دارد (کولپریاوات و نیمانونگ، ۲۰۱۵). این رویکرد با تکیه بر افزایش بینش افراد نسبت به ماهیت تنهایی و همچنین تأثیرات مخرب انزوای ارتباطی، توانایی پذیرش تنهایی وجودی را در افراد به ویژه زوجین افزایش می‌دهد و با کاهش اجتناب ارتباطی آن‌ها از یکدیگر، رضایتشان را از فرایند زندگی افزایش می‌دهد (کلانترکوشه، ۲۰۱۲). کیفیت زندگی زناشویی زوجین زمانی رو به بهبودی خواهد رفت که طرفین از سلامت وجودی برخوردار باشند (لاتنز و گیورگی، ۲۰۰۰). این پژوهشگر نشان داد که بهره‌گیری از درمان وجودی با تکیه بر مدل‌های مختلف، از طریق تسکین تنش‌های ناشی از بحران‌های وجودی تا حد زیادی کیفیت رابطه را بهبود بخشیده و امکان داشتن زندگی متعهدانه‌تر را فراهم می‌کند. افرادی که دارای آزادی اصیل هستند به قواعد زندگی زوجی به‌ویژه انحصاری‌بودن رابطه عاطفی - جنسی موجود در آن متعهد هستند (مالیک و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین می‌توان تأکید داشت که بهره‌گیری از رویکردهای وجودی در مواجهه با افراد دارای گرایش به خیانت، تمایل آن‌ها را به تداوم این رابطه از طریق پرورش آزادی اصیل کاهش دهد.

در طی این رویکرد درمانی بر افزایش بینش فرد نسبت به عملی که در حال انجام آن است و همچنین تبعات آن تمرکز شد. طی این بینش‌دهی فرد با تعهداتی که نسبت به همسر خویش دارد و همچنین زیرپا گذاشتن این تعهدات مواجه شد. مواجهه به‌صورت پیوسته صورت می‌گرفت تا امکان گریز از آن برای افراد وجود نداشته باشد. طی شدن این روند تا حد زیادی زمینه را برای شکل‌گیری احساس‌های منفی نظیر ترس و گناه در افراد فراهم کرد و سبب شد که درگیر شدن در روابط زناشویی برای آن‌ها به دور از تنبیهات درونی نباشد. عاملی که در کاهش لذت تجربه خیانت زناشویی منجر به ایجاد احساس‌های ناخوشایند و پشیمانی شده و بهبود رابطه و احتمال بازگشت فرد خیانت‌دیده را به زندگی افزایش می‌دهد. با این حال بسیاری از افراد دارای تجربه خیانت از چنین تعمقی امتناع کرده و برای گریز احساسات ناخوشایند حاصل از آن، تمایلی به تجربه آن ندارند. تفکر در مورد خیانت زناشویی در افرادی که درگیر این روابط هستند، زمینه را برای بروز احساس پشیمانی افزایش داده و کارکرد زوجین را به وضعیتی طبیعی باز می‌گرداند (سرمدی، ۱۳۹۷).

تلاش در مسیر ایجاد آزادی اصیل در مشارکت‌کنندگان عامل دیگری بود که زمینه را برای کاهش گرایش به خیانت زناشویی فراهم کرد. بسیاری از افراد بر آزادی افراطی و بدون قید و بند متکی بودند و آن را به نوعی ارزش قلمداد می‌کردند. با این حال در این درمان افراد با غلط بودن این نگرش مواجه شدند. از دیدگاه می (۱۳۹۷/۱۹۶۹) ما در انتخاب همسر خویش آزاد هستیم،

با این حال بایستی بدانیم که زندگی زناشویی قواعد ضمنی _ غیرضمنی و همچنین حد و حدود خاص خود را دارا می‌باشد. آزادی و میزان آن در طی روابط زناشویی، با محدودیت‌ها و چهارچوب‌هایی همراه است که زوجین باید نسبت به آن‌ها توجه داشته باشند. افرادی که دارای آزادی اصیل هستند به قواعد زندگی زوجی به‌ویژه انحصاری‌بودن رابطه عاطفی - جنسی موجود در آن متعهد هستند (مالیک و همکاران، ۲۰۱۴). زمانی که افراد سرنوشت زناشویی خود را نمی‌پذیرند و معتقد هستند که چنین پیوندی هیچگونه تعهد خاصی را برای آن‌ها ایجاد نکرده است، با سهولت به سمت روابط دیگر گرایش پیدا کرده و وفاداری زناشویی خود را زیر پا می‌گذارند (آسایش، ۱۳۹۶).

ایجاد آزادی اصیل علاوه بر تبیین و روشن‌سازی آن توسط فرد درمانگر، از طریق تبیین اصل سرنوشت نیز ممکن شد. درمانگر تلاش کرد تا مفهوم سرنوشت را برای اعضا روشن کند و به آن‌ها نشان دهد که زندگی زناشویی و فردی که با اون ازدواج می‌کنیم بخشی از سرنوشت ما است و نسبت به تعهداتی که در قبال او داریم مسئول هستیم. درونی‌سازی حس مسئولیت در این افراد نسبت به همسر و زندگی زناشویی، نقش موثری در متعهدسازی افراد نسبت به رابطه و کاهش تمایل به رابطه فرازناشویی داشت. زمانی که افراد سرنوشت زناشویی خود را نمی‌پذیرند و معتقد هستند که چنین پیوندی هیچگونه تعهد خاصی را برای آن‌ها ایجاد نکرده است، با سهولت به سمت روابط دیگر گرایش پیدا کرده و وفاداری زناشویی خود را زیر پا می‌گذارند. می (۱۳۹۷/۱۹۸۱) به این واقعیت اشاره دارد که آزادی اصیل داشتن روابط متعدد و زیرپا گذاشتن تعهدات زناشویی را جایز نمی‌شمارد و افرادی که از این آزادی برخوردار هستند، به‌خوبی می‌دانند که بایستی در چهارچوب سرنوشت خود از آن بهره ببرند و به محدودیت‌های انتخابی خود متعهد باشند. چنین افرادی بلاشک انرژی خود را به جای خیانت زناشویی صرف روابط زوجی خود خواهند کرد و نیازهای عاطفی و جنسی خویش را صرفاً در تعامل با همسر خویش ارضا می‌کنند (آمیر، ۲۰۱۸).

پرورش عشق اصیل بُعد دیگری از این الگوی درمانی بود که زمینه را برای کاهش میل به خیانت در مشارکت‌کنندگان فراهم کرد. می (۱۳۹۷/۱۹۶۹) تأکید دارد که فقدان عشق مهرورزانه بین زوجین و برقراری رابطه صرفاً بر مبنای میل جنسی، عاملی است که تداوم و تعهد موجود در این رابطه را در معرض تزلزل قرار داده و پای‌بندی طرفین را به آن کاهش می‌دهد. عشق جنسی ثبات چندانی ندارد و زوجینی که فقط از این مزیت برخوردار هستند احتمال گرایششان به خیانت زناشویی به دلیل تکراری‌شدن رابطه زوجی‌شان در سطح بالایی قرار دارد (یالوم، ۱۳۹۷/۱۹۸۰). فقدان عشق در خلال رابطه زناشویی می‌تواند هم‌چون روابطی که صرفاً ماهیتی جنسی دارد

زمینه را برای گرایش طرفین به خیانت زناشویی افزایش دهد (استیلمان و همکاران، ۲۰۱۹). طی این فرایند درمانی بر پرورش عشق اصیل، آگاهی نسبت به ضرورت نوازش، مراقبت، همدلی و احترام به آزادی تمرکز شد. عواملی که در خلال گفت‌وگوهای عمیق وجودی مورد توجه قرار گرفت و با آگاه‌سازی فرد نسبت به چرایی و چگونگی بکارگیری آن، زمینه برای پرورش عشق نهفته در روابط زناشویی فراهم گشت و تمایل فرد به تجربه روابط فرازناشویی و جست‌وجوی عشق در آن کاسته شد. درمانگر طی این مدل درمانی با تأکید بر تعهد به رابطه عاشقانه و اصیل با همسر و روشن‌سازی تأثیرات آن، این اندیشه را در اعضا ایجاد کرد که رابطه با همسر اگر عاشقانه و توأم با آمیختگی باشد، قادر خواهد بود تنش‌های تنهایی وجودی را که عامل گرایش به رابطه فرازناشویی بود تسکین بخشد. وقتی اعضا به این مسئله پی بردند که داشتن عشق اصیل با همسر می‌تواند ضمن تسکین تنش ناشی از تنهایی وجودی، تعهد به رابطه را تقویت کرده و خوشایندی آن را دوچندان کند، زمینه را برای فراهم‌سازی مسیر ایجاد چنین عشقی در آن‌ها فراهم شد. از طرفی خودِ عشق نیز به نوبه خود نبودش می‌تواند گرایش به رابطه فرازناشویی را تسهیل بخشد. ناتوانی در عشق‌ورزیدن به همسر یا داشتن صرفاً عشق جنسی نسبت به او، عاملی است که داشتن روابط متعهدانه با او را دشوار می‌کند؛ بنابراین پرورش آن از به‌صورت مستقیم بر کاهش گرایش به خیانت موثر است.

در این پژوهش صرفاً بر مردان خیانت‌کرده تمرکز شد و بحران‌های وجودی طی فرایند مصاحبه با آن‌ها استخراج شد و مدل مشاوره بومی نیز مبتنی بر مضامین استخراجی طراحی گشت. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی بحران‌های وجودی در زنان خیانت‌کرده نیز مورد واکاوی قرار گیرد. مسلماً چنین روندی ضمن روشن‌سازی تفاوت‌های زنان و مردان در این زمینه، اطلاعات جامع‌تری را جهت فهم عمیق‌تر این مشکل فراهم می‌کند و همچنین می‌تواند به تدوین الگوی بومی جامع‌تری بیانجامد که بر روی هر دو جنس قابلیت اجرایی داشته باشد. از سوی دیگر این پژوهش در شهر شاهین‌دژ استان آذربایجان غربی انجام شد. مسلماً قدرت تعمیم نتایج حاصل از آن به فرهنگ‌ها و حتی خرده‌فرهنگ‌های کشور با ضعف مواجه است. ضرورت دارد که بحران‌های وجودی در مردان خیانت در خرده‌فرهنگ‌ها و بافت‌های فرهنگی دیگر مورد بررسی قرار گیرد. این امر نقش تفاوت‌های فرهنگی و خرده‌فرهنگی را بر نتایج حاصله آشکار خواهد کرد و فهم پدیده مورد بررسی را روشن‌تر می‌کند. نهایتاً اینکه مدل وجودی طراحی‌شده در پژوهش حاضر بر گرایش به خیانت و همچنین بحران‌های وجودی مردان خیانت‌مورد ارزیابی قرار گرفت. می‌توان در پژوهش‌های آتی تأثیر این مدل را بر خیانت زناشویی و همچنین بحران‌های وجودی در زنان نیز مورد ارزیابی قرار داد.

موازین اخلاقی

برای رعایت اصول اخلاقی، اطلاعات کاملی پیرامون هدف پژوهش، فرایند درمان و چگونگی گزارش نتایج در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار داده شد، تا با رضایت و آگاهی کامل در مورد شرکت یا عدم‌شرکت در پژوهش تصمیم بگیرند. در مورد حفظ اصل رازداری نیز به اعضا اطمینان داده شد که تمامی اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی خواهد ماند و به هیچ‌وجه در گزارش‌ها هویت آن‌ها فاش نخواهد شد. همچنین پژوهش حاضر دارای شناسه اخلاق به شماره IR.U.I.REC.1399.113 از کمیته اخلاق دانشگاه اصفهان است.

سپاسگزاری

از دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان جهت فراهم کردن شرایط انجام و اجرای پژوهش و همچنین تمامی افرادی که در فرایند مصاحبه و همچنین مداخله مشارکت داشتند، تشکر می‌نمائیم.

مشارکت نویسندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده دوم، در رشته مشاوره در دانشگاه اصفهان است. نویسنده اول در مفهوم‌سازی، نظارت و ویراستاری، نویسنده دوم در نگارش، مفهوم‌سازی و اجرای پژوهش، نویسنده سوم در نظارت و ویراستاری و نویسنده چهارم در تهیه پیشینه نظری و تجربی موردنیاز پژوهش مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

آسایش، محمد حسن. (۱۳۹۶). *تدوین الگوی چندبعدی مشاوره پس آسیب و اثربخشی آن بر انصراف از طلاق، رضایت زناشویی و سلامت روان زوج‌های با سابقه بی‌وفایی همسر*. پایان‌نامه دکتری، رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران. [پیوند]

بختیاری ارکسی، حمید،، علیزاده زکریا، رامین، و حسینی، رضیه. (۱۳۹۵). نقش پیش بینی کننده احساس تنهایی و ویژگی‌های شخصیتی در خیانت زناشویی در زوجین شهر تهران. *سومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد*. [پیوند]

جمشیدی‌بورخانی، زهرا. (۱۳۹۵). رابطه بین توجیه روابط فرازنشویی و سبک‌های عشق‌ورزی در زنان متأهل شهر کرج. نخستین همایش جامع بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، تهران:

مرکز همایش‌های کوشاگستر با همکاری دانشگاه‌های کشور. [پیوند]

جانسون، برک، و کریستینسن، لاری. (۲۰۱۴). پژوهش‌های آموزشی رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی. ترجمه علیرضا کیامنش، نیلوفر اسمعیلی، صبا حسنوندی، مریم دانای‌طوس، محمدرضا فتحی و مریم

محسن‌پور، ۱۳۹۵، تهران: نشر علم. [پیوند]

چوپانی، موسی، سهرابی‌فرد، محمدمهدی، محمدی، فاروق، اسماعیلی، نوشین، و صمدی‌فرد، آذر. (۱۳۹۸). ادراک مردان بی‌وفا از علل و عوامل بازدارنده از روابط فرازنشویی: یک مطالعه کیفی. فصلنامه

پژوهش‌های مشاوره، ۱۸ (۶۵): ۱-۱۰. [پیوند]

خلیل‌زاده، المیرا، و سلیمانی، علی. (۱۳۹۸). پیش‌بینی نگرش به خیانت بر اساس مولفه‌های هوش معنوی و معنای وجودی در زندگی. سومین کنفرانس دانش و فناوری روان‌شناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی

ایران، تهران. [پیوند]

دمیرچی، یاسمن، و صلاحیان، افشین. (۱۳۹۷). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، عشق و رضایت جنسی

با احساس تنهایی در زنان. فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۶ (۱): ۱۷۷-۱۹۸. [پیوند]

دادو، پریسا، و دبیری، سولماز. (۱۳۹۸). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس دزدگی زناشویی، احساس تنهایی و عملکرد جنسی در دانشجویان متأهل. فصلنامه علوم روانشناختی، ۱۸ (۷۶): ۴۴۹-۵۰۷.

[پیوند]

دهقانی، مصطفی، و اصلانی، خالد. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر مدل درمان جراحات دلبستگی با زوج‌درمانی یکپارچه‌نگر بر بخشش در زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی. فصلنامه

روان‌شناسی کاربردی، ۱۴ (۲): ۱۴۷-۱۷۱. [پیوند]

ذال، بهناز، عرب، علی، و ثناگومحرز، غلامرضا. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش بخشایش بر نگرش به خیانت و اعتماد در روابط بین‌فردی زنان زخم‌خورده از خیانت زناشویی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۶ (۶۳):

۴۱۳-۴۲۸. [پیوند]

سرمدی، یاسمن. (۱۳۹۷). تعیین میزان و شدت آسیب‌های ناشی از خیانت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

رشته روان‌شناسی، دانشگاه خاتم، تهران. [پیوند]

طالبی، ابوتراب، و ویسی، سیمین. (۱۳۹۱). رابطه میان عشق رمانتیک و تحقق ارزش‌های زوجیت.

فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۴ (۱): ۲۴۷-۲۸۳. [پیوند]

علی‌تبار، سیده‌ادی، حبیبی، مجتبی، و پوراوری، مینو. (۱۳۹۳). بررسی روایی و پایایی مقیاس نگرش به

روابط فرازنشویی. فصلنامه پژوهش و سلامت، ۱ (۱): ۱-۱۰. [پیوند]

کرسول، جان دبلیو. (۱۹۹۹). مقدمه‌ای بر روش پژوهش ترکیبی. ترجمه احمد عابدی و امیر قمرانی، ۱۳۹۵، تهران: انتشارات کاوشیار. [پیوند]

گواهی‌جهان، فاطمه. (۱۳۸۹). رابطه بین معنا در زندگی و رضایت از زندگی زناشویی. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۶(۸): ۵۰-۶۹. [پیوند]

گال، مردیت‌دامین، بورگ، والتر، و گال، جویس. (۱۹۹۵). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. مترجمان: علیرضا کیامنش، احمدرضا نصر، خسرو باقری، حمیدرضا عریضی و همکاران (۱۳۹۳)، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و سمت. [پیوند]

می، رولو. (۱۹۶۹). عشق و اراده. ترجمه سپیده حبیب، ۱۳۹۷، تهران: انتشارات دانژه. [پیوند]

می، رولو. (۱۹۸۱). آزادی و سرنوشت. ترجمه سیدمحمدباقر حسینی‌فیاض، ۱۳۹۷، تهران: انتشارات ارجمند. [پیوند]

یالوم، اروین. (۱۹۸۰). روان‌درمانی اگزیستانسیالیست. ترجمه سپیده حبیب، ۱۳۹۷، تهران: انتشارات نی. [پیوند]

Amer, Z. (2018). *Examining the role of relationship satisfaction in the association between rejection sensitivity and infidelity*. PhD Thesis, University of Tennessee, Knoxville. [Link]

Abzug, R. (2016). Extramarital affairs as occupational hazard: A structural, ethical (cultural) model of opportunity. *Sexualities Journal*, 19(1-2), 25_45. [Link]

Colaizzi, P. F. (1978) *Psychological research as a phenomenologist views it*. In: Valle, R.S. and King, M., Eds., *Existential-Phenomenological Alternatives for Psychology*, Oxford University Press, New York, 48-71. [Link]

Daei Jafari, M. R., Aghaei, A., & Rashidi Rad, M. (2020). Existential Humanistic Therapy with Couples and its Effect on Meaning of Life and Love Attitudes. *The American Journal of Family Therapy*, 48(5): 530-545. [Link]

Eindor, T., Perrypaldi, A., Hirschberger, G., Birnbaum, G. E., & Deutsch, D. (2015). Coping with mate poaching: Gender differences in detection of infidelity-related threats. *Evolution & Human Behavior*, 36(1): 17_24. [Link]

Hyrkas, K., Appelqvist-Schmidlechner, A., & Oksa, L. (2003). Validating on instrument for clinical supervision using an expert panel. *International journal of nursing studies*, 40(1): 619-625. [Link]

Kalantarkousheh, S. M. (2012). Effects of existential issues training on marital communication among Iranian women. *Psihologijske Teme*, 21(2): 213-224. [Link]

- Kalantarkousheh, S. M., Hassan, S. A., Kadir, R. A., & Talib, M. A. (2012). Effects of existential issue training on marital satisfaction among Iranian women. *The New Educational Review*, 28(2): 29–38. [Link]
- Kulpreeyavat, V., & Nimanong, V. (2015). Rollo May on existence enriches mental health. *PSAKU International Journal of Interdisciplinary Research (PSAKUIJIR)*, 4(2): 1_10. [Link]
- Larsson, H., Rämgård, M., Kumlien, C., & Blomqvist, K. (2020). Spouses' existential loneliness when caring for a frail partner late in life - a hermeneutical approach. *International Journal of Qualitative Studies on Health and Well-being*, 15(1): 1_10. [Link]
- Lantz, J., & Gregoire, T. (2000). Existential psychotherapy with couples facing breast cancer: A twenty year report. *Contemporary Family Therapy*, 22(3): 315_327. [Link]
- Malik, N., Nawaz, Y., Mehmood, B., Riaz, F., Mushtaq, S. K., & Khan, M. I. (2014). Causes and Consequences of Extra-Marital Relations in Married Women: A Case Study of Darulaman Sargodha. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 5(23): 2044_2053. [Link]
- Muniruzzaman, M. D. (2017). Transformation of intimacy and its impact in developing countries. *Life Sciences, Society and Policy*, 13(1): 10_20. [Link]
- Newport, F., & Himelfarb, I. (2013). *In U.S., Record-High Say Gay, Lesbian Relations Morally OK: Americans' Tolerance of a Number of Moral Issues up since 2001.* Gallup Politics, May 20, 2013. Retrieved July 7, 2014. [Link]
- Palencia, A. R., Rivera-Aragón, S., & Díaz-Loving, R. (2007). Desarrollo del inventario multidimensional de infidelidad (IMIN). *Revista Iberoamericana de Diagnóstico Y Evaluación Psicológica*, 23(1): 121-147. [Link]
- Selتمان, D., Garcia, J. R., & Tsapelas, I. (2019). Motivations for extra dyadic infidelity revisited. *The Journal of Sex Research*, 56(3): 273_286. [Link]
- Scheeren, P., Apellániz, I. d. A. M. d., & Wagner, A. (2018). Marital infidelity: The experience of men and women. *Trends in Psychology*, 26(1): 355-369. [Link]
- Schumacher, M. M. (2015). The Meaning of Freedom and the Redefinition of Marriage. *Logos: A Journal of Catholic Thought and Culture* 18(3): 113-122. [Link]

Wróblewska-Skrzek, J. (2021). Infidelity in relation to sex and gender: The perspective of sociobiology versus the perspective of sociology of emotions. *Sexuality & Culture*, 25(5), 1885-1894. [Link]

Yeniceri, Z., & Kokdemir, D. (2006). University students' perceptions of, and explanations for, infidelity: The development of the Infidelity Questionnaire (INFQ). *Social Behavior and Personality: An International Journal*, 34(6): 639-650. [Link]

پیوست ۱. پرسشنامه گرایش به خیانت زناشویی وایتلی (ATIS_2006)

ردیف	عبارات	کاملاً موافقم	موافقم	نسبتاً موافقم	مخالف	نه موافق نه مخالف	نسبتاً مخالف	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱-	خیانت به کسی آسیب نمی‌زند.								
۲-	در روابط زن و شوهر، خیانت از دلایل طلاق است.								
۳-	خیانت کردن برای تلافی خیانت، پذیرفتنی است.								
۴-	خیانت کردن به افراد امری طبیعی است.								
۵-	روابط اینترنتی خیانت محسوب می‌شود.								
۶-	خیانت در هر شرایطی، بدون توجه به وضعیت و موقعیت فرد از نظر اخلاقی نادرست است.								
۷-	بی‌وفایی و خیانت در یک رابطه، بی‌شرم‌ترین و ناشایست‌ترین رفتاری است که فرد از خودش نشان می‌دهد.								
۸-	خیانت در روابط زن و شوهری، در هیچ شرایطی قابل قبول نیست.								
۹-	اگر فرد مورد نظر من دور از چشم من روابطی داشته باشد، در صورتی که من مطلع نشوم برایم مهم نیست.								
۱۰-	برای خودم پذیرفتنی است که با شخص دیگری رابطه داشته باشم، ولی در مورد فرد مورد نظرم نمی‌توانم بپذیرم.								
۱۱-	اگر بدانم فرد مورد نظرم از رابطه من مطلع نخواهد شد، با شخص دیگری رابطه خواهم داشت.								
۱۲-	اگر به همسر من مظنون باشم که خیانت کرده است، با او برخورد خواهم کرد.								
